

تاریخچہ کشور کانادا

اچوی نلز

مترجمین:

احسان سعیدی آرا

دکتر کامران ملک میر



کتاب گزینہ

www.ketab.ir

سرشناسه	: نلز، اچ. وی، ۱۹۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: Nelles, H. V.
مشخصات نشر	: تاریخچه کشور کانادا/ نویسنده اچوی نلز، مترجم سعیدی آرا، کامران ملکپور.
مشخصات ظاهری	: تهران: کتاب کوлеپشتی، ۱۳۹۷.
شابک	: ۳۱۲ ص؛ ۵/۱۴/۵×۲۱/۵ س. ۶- 978-600-461-167-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: A little history of Canada : 3rd ed, c2017.
موضوع	: عنوان اصلی.
موضوع	: کانادا -- تاریخ
شناسه افزوده	: Canada -- History
شناسه افزوده	: سعیدی آرا، احسان، ۱۳۷۱ - مترجم
شناسه افزوده	: ملکپور، کامران، ۱۳۵۵ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ت ۲۸/ ۲۶/ ف۱۰
رده‌بندی دیویی	: ۹۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۱۹۲۲۳

ادبیات و هنر



تاریخچه کشور کانادا

اچوی یلز

مترجمین:

احسان سعیدی آرا، ناصر کامران ملکپور

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۰-۱۷۰-۱

نوبت چاپ: اول ۹۸۰

ویراستار: مریم حدیمی

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پشتی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پشتی

تلفن: ۶۶۵۹۷۶۱۳ - ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: koollehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: [ketabekoolehposhti](https://www.instagram.com/ketabekoolehposhti)

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲
تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

۷.....	مقدمه: کانادایی شدن
۱۵.....	فصل اول: سرزمین بومی و مادری
۶۸.....	فصل دوم: آمریکایی‌های انگلیسی
۱۳۷.....	فصل سوم: قلمروی محدود
۲۱۹.....	فصل چهارم: جامعه‌ای متمایز
۲۹۱.....	فصل پنجم: سیاست‌های د

www.ketaboo.ir

مقدمه: کانادایی شدن

تاریخ در زندگی کانادایی‌ها مسئله‌ای حائز اهمیت است و حضوری الگوساز، محده دکننده و گاهاً کنترل‌ناپذیر در زندگی آنها دارد. هنگامی که مسافران به کانادا می‌آیند، اگر توجه کنند، با تاریخ آن روبه‌رو خواهند شد. مسافران کانادا در فرودگاه ونکوور^۱ متوجه تندیس قایق جید^۲ هیدا^۳، نمادهایی به دوزبان رسمی کانادا، یعنی انگلیسی و فرانسوی^۴، نقاشی‌هایی از ملکه در سالن‌های ورود و خروج می‌شوند. اگر مقصد تورنتو^۵ باشد، واقع هواپیما در میسیساگا^۶ در فرودگاه بین‌المللی پیرسین^۷ به زمین می‌شوند که نام آن از نام نخست‌وزیر کانادا در نیمه قرن بیستم برگرفته شده است. تاکسی‌ها نیز^۸ میان ترافیک با بازدیدکنندگان خسته در اطراف شهر یا شاید هم اطراف هتل روی^۹ لیرک^{۱۰} پرسه می‌زنند. مسافران در مونترآل^{۱۱} روی اسکناس‌ها تصویر الیزابت رین^{۱۲} را می‌بینند که همان تصویر روی دیوار فرودگاه با نشان پرچم کانادا به شکل برگ افراست. نشانه‌ها در فرودگاه حداقل دوزبان‌اند؛ اما زبان کوچه و خیابان فرانسوی است.

1. Vancouver

2. Jade

3. Haida

4. Toronto

5. Mississauga؛ حومه‌ای که نامش از افراد بومی گرفته شده است.

6. Pearson

7. Royal York

8. Montreal

9. La Reine Elizabeth

کانادای کنونی ترکیبی حیرت‌انگیز است و بزرگ‌ترین شهر آن تورنتوست که گفته می‌شود بزرگ‌ترین شهر بین‌المللی است. خیابان‌ها، مدارس و متروهای آن میزبان بیش از دویست قوم مختلف است. این تنوع چندفرهنگی ممکن است برای بازدیدکنندگان تا حدی نسبت به تصوراتشان از کانادایی‌ها تکان‌دهنده باشد که بر اساس تصویر پلیس‌های سواره کانادایی شکل گرفته است. در کانادا پروژه‌ای اجتماعی و بزرگ انجام می‌گیرد؛ اما بحث ما سر این است که تغییر موضوعی تازه نیست. داستان کانادا از این قرار است و مضمون ماندگار تاریخ آن تغییر و دگرگونی است.

بازیگری که می‌خواهم به عنوان استعاره از آن استفاده کنم، بومیان ساحل اقیانوس آرام با ماسک‌های توبی رنگ‌شده، براق و خاطره‌انگیزند؛ آنهایی که آداب و رسوم متکلفشان را حکاکی می‌کنند و دارندگان نماد ایدئال تاریخ کانادا محسوب می‌شوند. نوعی ویرانه از سحرها، ماسک تغییر است. کسی که ماسک را بر صورتش می‌زند، ابتدا به شکل زاغ اعقاب درمی‌آید. با کشیدن یک دسته نخ پنهانی، ماسک به شکل انسان، بهنگام قاتل یا ماه و خورشید درمی‌آید. برخی ماسک‌های خاص از سه لایه تشکیل شده‌اند که هر بار مضمونی متفاوت را نشان می‌دهد.

آن ماسک نمادین تفسیر من از تاریخ کانادا در این کتاب است. تاریخ کانادا داستان شخص خاصی نیست که ملتش را همگام با ملت اروپایی یافته است یا داستان جامعه‌ای انقلابی که ملیتی جدید را از ملیت قدیمی جدا می‌کند یا در توافق با ایالات متحده به دست آورده باشند. تاریخ کانادا داستان دگرگونی‌هایی است که همچنان ادامه دارد. کانادا در گذشته چندین بار اساساً تغییر کرده است و در حال حاضر نیز چنین است. اما نقش گذشته در دگرگونی‌ها محو نمی‌شود. همانند ماسک دگرگونی می‌توان نشانی از عقاب را در خورشید دید. چیزهایی از گذشته ادامه دارند و باید با زمان حال ادغام گردند. بنابراین کانادای کنونی ترکیبی است که

تغییراتی زیاد داشته است؛ اما ویژگی‌های زنده‌ای از تصورات قبلی‌اش را پیش می‌برد.

بدین دلیل است که این کتاب را حول یک سری تغییرات تهیه و تنظیم کرده‌ام. در فصل «سرزمین مادری و خانگی» می‌بینیم که رسیدن تاجران و مستعمره‌نشینان انگلیسی و فرانسوی چگونه مؤلفه‌های اجتماعی را به جوامع بومی آمریکای شمالی اضافه کرده است و منجر به دگرگونی‌های اساسی در آن جوامع شده است. در فصل «آمریکایی‌های انگلیسی» می‌بینیم که چگونه این قلمروی وسیع به شیوه‌های مختلف تحت اختیار شاهانه انگلیسی دوباره ساخته شده است. در نسخه استاندارد یک مستعمره یک مدت تبدیل می‌شود؛ اما این درباره کانادا صدق نمی‌کند. در فصل «قلمروی محدود درم یابیم که چگونه مستعمره‌های گوناگون به صورت نامنظم ادغام شدند و به یک اتحاد تبدیل شدند؛ چگونه کانادا بین وضعیت استعماری و استقلال یکی را برگزید و در امور اقتصادی و روابط بین‌المللی به ایالات متحده و انگلیس وابسته ماند. در فصل «جمع متمایز» می‌بینیم که چگونه در نیمه دوم قرن بیستم ناپایداری نظم سیاسی و اجتماعی از میان پله گذشته پدیدار شد. کانادا کشوری بی‌نظیر بود؛ در عین حال به نظر می‌رسید پیوسته در معرض سقوط باشد. در فصل «سرآغازی دیگر» که در آن کتاب به پایان می‌رسد، برخی نیروهای دگرگون‌کننده کانادا را در زمان حال نشان می‌دهیم.

چنین روایتی نیازمند تصحیح اساسی در شرح رویدادهای عالی تاریخ کاناداست. نکات آغازین و پایانی کتاب، وقایع سیاسی بزرگی همچون فتح اتحادیه و نخست‌وزیرها نیستند؛ بلکه لحظاتی از آرامش نسبی اند؛ یعنی زمانی که نظم جدید ثبات می‌یابد. فصل سرزمین بومی و مادری دوره عصر یخبندان را تا حدود سال ۱۷۴۰ در بر می‌گیرد که مدت زمان حکومت فرانسه است. فصل آمریکایی‌های انگلیسی داستان را از سال ۱۷۴۰ تا ۱۸۴۰ پیش می‌برد. در آن زمان آمریکای شمالی-انگلیسی متمایزی به عنوان نظام سیاسی جایگزین در مرزهای

شمالی ایالات متحده به وجود آمده بود. فصل قلمروی محدود سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۹۳۹ را در بر می‌گیرد که ما را از جوامع استعماری به قلمرویی نیمه‌مستقل و فراقاره‌ای می‌برد. در فصل جامعه‌ای متمایز به سال‌های ۱۹۴۰ تا پایان قرن بیستم کانادا می‌نگریم. این فصل دگرگونی‌های قلمروی سفیدپوستان را نشان می‌دهد که تا حد زیادی تحت تأثیر میراث انگلیسی‌شان و جامعه دوزبانه متمایز، مرکزگرا، چندفرهنگی و اجتماعی است. در پایان، سرآغازی دیگر ماسک دگرگونی ما را در دوره به تصویر می‌کشد و دقیقاً چیزهایی را نشان می‌دهد که در آینده به ما گفته می‌شود.

کاملاً همواره به عرصه ظهور می‌رسد و تغییر می‌کند. این کشور همچنین پذیرای افراد، کالاهای خارجی و ایده‌های گوناگونی است و تحت تأثیر عوامل خارجی شکوفا شده، پرورش یافته و تغییر کرده است. کانادا هم‌زمان توانسته است اراده جمعی را به کار گیرد، سیاست‌ها را انتخاب، بیان و تنظیم کند و به شیوه خودش در عرصه جهانی عمل کند. اگرچه ممکن است کانادایی‌ها قادر به بیان دقیق معنای «کانادایی بودن» نباشند، به بسیاری از دلایل مختلف آنها به کانادایی بودنشان افتخار می‌کنند و احساس خودشان را به جهان انگلیسی‌دهند؛ بله، حتی اهالی کبک^۱. در همان زمان بازدیدکنندگان شرقی و اروپایی در آنجا شایع می‌دهند که در ایالات متحده، بریتانیا یا فرانسه نیستند؛ هرچند اگر چیزهایی را ببند که آنها را بسیار به یاد لس‌آنجلس، شیکاگو، لندن یا پاریس بیندازد. کانادا تمایزی برای خودش است؛ رونوشت هیچ چیز دیگری نیست. کانادا محصول تاریخ است و نه عصر به فرد است؛ اما جدا افتاده نیست. کانادا ممکن است یک پیروزی سیاست فرض شود. در سیاست کانادا از اختلافات عمد اجتناب شده است، اختلافات رفع‌نشده‌ای حل شده است، قطعیت‌ها مظلون واقع شده است و راه‌حل‌های نهایی تعلیق شده‌اند.

دانش‌آموزان کانادایی اغلب شکایت می‌کنند که تاریخ کانادا به اندازه کافی جالب نیست؛ چون جنگ‌های داخلی زیادی نداشته است و ایده‌های بزرگ در مبارزات مرگ‌بار، راه‌زان، شخصیت‌های پر خاشاک یا رهبران کاریزماتیک جمع شده‌اند. من اصرار دارم بر اینکه کانادا بعضی از این ویژگی‌های شک‌برانگیز را دارد. با فرض کلی موافقم که کانادا داستانی جایگزین از سازگاری، اقامت و مذاکرات پیوسته را ارائه می‌دهد؛ اما نباید به عنوان یک قلمروی صلح‌آمیز در نظر گرفته شود. تاریخ کانادا از کشمکش‌های خشونت‌آمیز، تعصبات، سرکوب‌ها، بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌ها سهم دارد. این امر دیدن دلیل است که کانادا در اکثر بخش‌ها از جنگ‌های داخلی مبارزانه کرده است؛ البته این به معنای نبود کشمکش‌های ریشه‌دار، طولانی و پراکنده نیست. همچنین نباید از تهدیدهای بالقوه دهشتناک آن غافل بود.

مسافران خارجی در زمان ورود به این شهر بزرگ با کانادایی جدید روبه‌رو می‌شوند که تنها ۸۰ درصد از جمعیت را به میان آنجا تشکیل داده است و مابقی مهاجران هستند؛ با این حال کانادا کشوری است که با گذشته خود در ارتباط است. کانادایی‌ها نیز به طور اتفاقی در تمامی فصول و مکان‌های غیرمنتظره به تاریخ خود سر می‌زنند. تاریخ داستانی نیست که تمام شده باشد؛ بلکه همیشه جاری و جاری است که باید به آیندگان منتقل شود. همان‌طور که کانادایی‌ها تغییراتی را در خود ایجاد کرده‌اند، گذشته‌شان نیز تغییر کرده است. تلاشم بر این بنا بوده است که در ادامه عناصر اصلی داستان تاریخ کانادا را ارائه دهم؛ به طوری که باز در مکان‌ها و شهر وندان هنگامی که در خیابان‌ها قدم می‌زنند، مقاله می‌خوانند، تلویزیون تماشا می‌کنند و به صدای کانادایی‌ها گوش می‌دهند، بتوانند گفت‌وشنود پیوسته میان گذشته و حال را درک کنند که از طریق آن کانادایی‌ها خود را اصلاح می‌کنند. این موضوع تعبیری شخصی است و همه جنبه‌ها را شامل نمی‌شود. هدف من در سراسر این کتاب این است که درکی اساسی از موضوعات اصلی تاریخ کانادا برای

خواننده فراهم آورم و تاریخچه‌ای از کانادا را برای چند دسته مخاطب ارائه دهم. اولین دسته کانادایی‌هایی هستند که در جست‌وجوی مقدمه‌ای مختصر درباره تاریخ کشورشان هستند. دسته دوم صدها هزار نفر از مسافرانی هستند که هر ساله برای کسب‌وکار یا در ایام تعطیل به کانادا سفر می‌کنند. آنها مروری کلی و مختصر از تاریخ مردمی می‌خواهند که قرار است با آنها روبه‌رو شوند و تنها پروازی شش الی هشت ساعته دارند تا آنچه را که باید درباره کانادا بدانند فراگیرند. دسته سوم را افرادی تشکیل می‌دهند که از جاهای دیگر به این کشور آمده‌اند و قصد ماندن دارند. هر ساله بیش از ۲۵۰ هزار نفر برای شهروندی کانادا درخواست می‌دهند. آنها البته به حدی که کرده‌اند و با خود می‌گویند: «قرار است به چه شخصی تبدیل شویم؟»^۱ من تاریخچه‌ای از چگونگی شکل‌گیری کانادا را با در ذهن داشتن این خوانندگان نگاشته‌ام.

واژه کانادا با ترجمه به زمان موقعیت به روش‌هایی گوناگون استفاده می‌شود. در ابتدا کانادا وجود نداشته و «کانادا» اولین بار توسط افراد بومی برای توصیف یکی از روستاهایشان یعنی «کاناتالاس»^۲ استفاده شد. تاجران اولیه فرانسوی نیز عموماً از واژه کانادا برای اشاره به منطقه‌ای از سنت لارنس^۳ استفاده می‌کردند. این واژه زمانی معنای قانونی‌اش را به دست آورد که کانادایی‌ها مالکیت آن سرزمین را به آمریکای شمالی دادند. در نهایت تا حدی رشد کرد که تقریباً همه از قاره آمریکا را در بر گرفت. پس از آن کاناتا نام دو مستعمره در طول رود سانت لورانس و دریاچه‌های بزرگ^۴ و بعدها نیز به‌طور غیررسمی، نام مجموعه‌ای کانادا را رابع آمریکای شمالی شد. کانادا در کنفدراسیون سال ۱۸۶۷ چهار مستعمره سابق را شامل

1. Kanata

2. St Lawrence

3. Great Lakes

می‌شد: کانادای شرقی، کانادای غربی، نو اسکوشیا^۱ و نیوبرنزویک^۲. در نهایت دولت کانادا از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام و از آنجا به اقیانوس‌های قطب شمال گسترش یافت، قلمروهای دیگر بریتانیا را جذب کرد و مدعی سرزمین بریتانیا در شمال شد. کانادا یک واژه کلمبیایی است که می‌تواند فضایی روی نقشه، یک کشور یا گروهی از افراد باشد که همگی در طول زمان تغییر می‌کنند. من خودخاهانه از معنای کلمات استفاده نکرده‌ام. وقتی واژه‌ای را استفاده می‌کنم به معنی آن است که «می‌خواهم معنی‌اش را منتقل کنم؛ نه بیشتر و نه کمتر.» امیدوارم معنای دقیق از بافت متن آشکار شود. به یاد دارم در قطاری در تایلند، هنگامی که شخص مدعی کناری‌ام فهمید من کانادایی‌ام، از من خواست به سؤالی که مدت‌ها ذهن مرا می‌خورد خود کرده بود پاسخ دهم: «چرا پلیس‌ها در کانادا چنین کلاه‌های خنده‌داری به سر می‌گذارند؟» متأسفانه من پاسخی نداشت‌م، اما الان پاسخش را می‌دانم؛ اگرچه ۶۰ سال از آن زمان می‌گذرد. سؤال او و افرادی از این قبیل که با دانشجویان و دانش‌پژوهان ارجح کانادا مواجه می‌شوند، مرا به یاد این می‌اندازد که بازدیدکنندگان دیدگاهی متفاوت دارند. بازدیدکنندگان متوجه مفهوم زبانی که گاهی به‌طور ناخودآگاه استفاده می‌کنند نمی‌شوند. تا حد امکان سعی کرده‌ام به جای استفاده از اصطلاحات خاص رایج در میان تاریخی کانادا، از زبانی استفاده کنم که معانی را به کلیات مشترک زبانی منتقل می‌کند.

سال‌ها پیش، زمانی که در ژاپن تاریخ کانادا را تدریس می‌کردم، دانشجویانم به من شکایت کردند که تاریخ کانادا اسامی زیادی دارد. آنها احتمالاً از من هم اضافه کردند که بیشتر اسامی به‌طور گیج‌کننده‌ای مشابه هستند. به‌طور مكدونالد^۳، ویلیام

1. Nova Scotia

2. New Brunswick

3. Macdonalds

لیون مکنزی^۱، کارتی^۲ و ترادنوس^۳ را از آنها جدا کنیم؟ برای همین سعی کرده‌ام تعداد اسامی را به حداقل برسانم.

کاملاً می‌دانم که بعضی چیزها را حذف کرده‌ام؛ بسیاری از مسائل مهم در این کتاب به صورت کشف نشده باقی می‌ماند. همچنین از این موضوع آگاهم که گاهی تعمیم‌های سرسری و اظهارات ساده‌ام به تاریخ‌نگاری موشکافانه صدمه می‌زند. باین حال امیدوارم با پرسش و پاسخ از خوانندگان این شکاف‌ها را پر کنم یا بتوانم طرف‌ها و جزئیات دقیقی را که لزوماً به صورت استعاری به کار برده‌ام بیان کنم. مقدمه باید ادامه داشته باشد؛ نه اینکه درباره همه جنبه‌های موضوع بحث کند. در اینجا هم تا حد امکان امید دارم، ذائقه شما را تحریک می‌کند.

به استناد این کتاب ریشه‌هایی دارد. به نظر می‌رسد بسیاری از اقوام می‌خواهند درباره تاریخ کانادا بیشتر بدانند؛ اما انگیزه کمتری به موضوعات کتاب‌های آماده فروش دارند. به همین دلیل آکسفورد تصمیم گرفته است صد و پنجاهمین سالگرد پیوند استان‌های آنتاریو، اونتاریو، کبک، نیو برنزویک و با چهاره‌ای تازه و طراحی‌ای جدید و جسورانه درج کند. بر همین اساس از این فرصت چاپ سوم برای بهتر کردن برخی عبارات، درنظر گرفتن بورس‌های تحصیلی اخیر و به‌روزرسانی نتیجه‌گیری استفاده کرده‌ام؛ اما سعی کردم که متن پر از صفات و موضوعات اضافی نشود تا بتوانم به قول اصلی‌ام درباره این کتاب پایبند باشم.

1. William Lyon Mackenzie

2. Cartier

3. Trudeaus

4. Ontario